

آینه
کیمیا
ترسی که کم‌زایل می‌شود:
● شاید همین زوال قدرت آمریکا در فضای ادراکی سیاست‌مدار کشورمان است که باعث می‌شود برخلاف چند سال گذشته که حرف مخالفین راهبرد دولت مورد توجه قرار نمی‌گرفت، اکنون ادبیات وزیر محترم امور خارجه و حتی ریاست محترم جمهور در برخی از مسائل، بسیار نزدیک به ادبیاتی باشد که از سوی همین دولت و جریان، به‌عنوان ادبیات ترسوها، بی‌شناسانها‌ما‌و... مورد هجمه قرارگرفته و معتقدان به این موارد، به جهنم حواله می‌شدند. بازخوانی موضع‌گیری‌های برخی دولتمردان کشورمان در ایام اخیر، هرچند هنوز نیز رگ‌ها و نشانه‌هایی از ترس را در خود دارد لیکن به‌طور فاحشی با ادبیات گذشته ایشان فاصله دارد و هرچند عوامل متعددی می‌تواند در این تغییر ادبیات مؤثر بوده باشد، لیکن نگارنده بر این اعتقاد است که بخشی از آن، متأثر از مشاهده و ملاحظه ناتوانی آمریکا در مقابله با قدرت و توان نظام مقدس جمهوری اسلامی و عناصر مؤمنی است که در مسیر عمل به‌فرمان فرامنده و مقتدای خویش، از هیچ‌کس، جز ذات باری تعالی، ترسی ندارند و اگر لازم باشد نف‌کش انگلیس خیبت را در میان ناهوایی که مشغول همیای [اسگورت] آن بوده‌اند، توقیف می‌کنند و به نظامیان انگلیسی هشدار می‌دهند اگر جان خود را دوست دارند در این عملیات دخالت نکنند و بهباد آمریکایی را بی‌ترس و واهمه‌ای به دلیل تجاوز به فضای سرزمینی کشورمان، سرنگون می‌کنند.
اعتقاد
احیای جایگاه مطبوعات
● علی‌اکبر قاضی‌زاده، اولین مجلس مشروطه، هزار کار فوری داشت اما نمایندگان، همه کارها را زمین گذاشتند و قانون مطبوعات نوشتند و فوراً هم آن را اجرا کردند. در کتاب مشروح مذاکرات مجلس اول مشروطه آمده که ما مشکل راه‌آهن و بانک ملی و احزاب و کم‌رکات داشتم و اینها مشکلات اصلی کشور بود که در مجلس اول هم مطرح شد اما نمایندگان، همه این مشکلات را از دستور خارج کردند و مدت طولانی برای نوشتن قانون اول مطبوعات وقت گذاشتند. تا امروز که مجالس ما ۸ یا ۹ قانون مطبوعات نوشته‌اند، خمیره و دستورالعمل، همان قانون اول مطبوعات و سرتاپا، بگرویند و محدودکردن مطبوعات و روزنامه‌نگاران است. علاوه‌براین هم، مسئولان و تصمیم‌گیران و مدیران و حکومتیان، همیشه از مطبوعات انتظار یک تبلیغات‌چی و بوثن دارند نه اینکه روزنامه را به چشم ابزار آگاه‌سازی مردم بدانند. بنابراین، همه حکومت‌ها تا امروز (و از زمان ایجاد مطبوعات در ایران) وظیفه وجدانی و اساسی خود را مقابله با مطبوعات قرار داده‌اند. مشکل دوم، این است که ما مطبوعاتی‌ها به‌جای رفع سوءتفاهم و سوظن، برعکس، انگشت در چشم همین مسئولان دچار سوظن و سوءتفاهم کردیم، امیدوار همکارانم از من دلخور نشوند. دلیل اصلی این اتفاق این است که ما اصلاً کار مطبوعات را نمی‌شناسیم و بنابراین، تا ذره‌ای آزادی (به هر دلیل) ایجاد می‌شود، خودمان را کم می‌کنیم و اصلاً نمی‌دانیم کجای دنیا هستیم و کشورمان چه شرایطی و چه موجباتی دارد و منابع قدرت کشور در دست چه کسانی است و ما با چه کسانی درگیر هستیم.
جمهوری اسلامی
تحلیل سیاسی هفته
● تجلیل فراوان از دکتر ظریف در داخل کشور که این‌روزها توسط مسئولان نظام، روزنامه‌نگاران، نمایندگان مجلس و اقشار مختلف مردم صورت می‌گیرد، نشانه قدرشناس بودن آنان نسبت به یک خادم واقعی کشور است. آنچه برای انجام کار، وظیفه نقضی برای ظریف و دولت جمهوری اسلامی ایران محسوب نمی‌شود، بلکه بی‌منطقی رئیس‌جمهور آمریکا را به اثبات رسانده است. او از دکتر ظریف خواست به کاخ سفید برود و با او دیدار کند ولی ظریف در چارچوب سیاست نظام که مذاکره با آمریکا را در شرایط کنونی غیرمنطقی می‌داند عمل کرده و این دعوت را نپذیرفته و به همین دلیل مورد غضب ترامپ قرار گرفته و تحریم شده است. این عملکرد ظریف قابل تحسین و تقدیر است و او را به‌عنوان یک رجل سیاسی پاینده به اخلاق، قانون و سیاست نظام سیاسی کشورش جاودانه می‌کند.
politics@sharghdaily.ir

«آسید علی» نامی است که دوستان، بستگان و همشهریانش در خوزستان و به‌ویژه شهرستان دزفول با آن او را مخاطب قرار می‌دهند. همه از او توقع مساعدت و همکاری در حل مشکلاتشان را دارند. برای معتقدان به دیگر ادیان و مذاهب همان حرمت و کرامت را قائل می‌شود که به هم‌وطنان شیعه معتقد و ولایی؛ اما با وجود این سلوک ویژه، بسیار نفوذناپذیر است و اگر در پرونده‌ای توصیه‌ای از مقامات دیگر شود، با مقاومت کامل او مواجه خواهند شد و حتی شاید کار خراب‌تر هم بشود! ممکن است با دوستان صمیمی لطیفه‌ای هم بگوید؛ اما بیشتر دوست دارد دیگران برایش لطیفه تعریف کنند و شخصیتی دل‌زنده دارد، اگرچه بعد از درگذشت دخترش، دیگر آن آوایی شاد و سرزنده سابق نیست؛ اما هنوز امیدوارانه با دلخوشی‌های روزگار ایام می‌گذرانند. سیدعلیرضا آوایی، وزیر دادگستری دولت تدبیر و امید، با اینکه یک بار به صورت رسمی استعفای خود را به دکتر روحانی تقدیم کرده و رئیس‌جمهور نیز استعفای او را نپذیرفته، معتقد است در این شرایط تنهاداشتن رئیس‌جمهور نامردی است و او اهل نامردی نیست. دلیل استعفایش در آن مقطع، بازگذاشتن دست رئیس‌جمهور برای ترمیم کابینه متناسب با تغییر شرایط سیاسی کشور بود که گویا رئیس‌جمهور نیازی به این کار نمی‌دیده است.

سیر زندگی حرفه‌ای

« سید علی »، یکی از فرزندان « سید اسمعیل » از بزرگان اهل زهد و عرفان در شهرستان دزفول است که در اردیبهشت ۱۳۳۵ بدینا آمد. پیش از انقلاب متأثر از اندیشه و سلوک پدر به خیل انقلابیون پیوست و در تاسی از برادر بزرگتر خود « سید احمد » یک جوان انقلابی شد. سال ۱۳۵۳ در دانشگاه تهران پذیرفته شده و در سال ۱۳۵۸ در رشته حقوق قضایی در مدرسه عالی قضایی قم (وابسته به دانشگاه تهران) فارغ التحصیل گردید و با تعهد خدمت بجای دوره سربازی رسماً وارد دستگاه نوپای قضایی پس از انقلاب می-شود. آوایی پیش از تصدی وزارت دادگستری، دادستان دزفول، اندیشک، شوشتر، سسندج و اهواز را در کارنامه خود داشته و قائم مقام رئیس کل دادگستری استان خوزستان و ریاست دادگستری کل استان‌های لرستان، مرکزی، اصفهان، و تهران را بر عهده داشته است. قریب به هشت سال مدیریت دادگستری پر تنش استان تهران، در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۳ پایان می‌یابد و آوایی که به نظر می‌رسید روز‌های پایانی خدمت در دستگاه قضایی را طی می‌کند، به عنوان مستشار در شعبه چهارم دادگاه عالی انتظامی قضات مشغول به خدمت می‌گردد. آسودگی خاطر و بازنشستگی غیر رسمی آوایی چندان دوامی ندارد و در اردیبهشت سال ۱۳۹۴ رئیس سازمان ثبت احوال کشور می‌شود.این مقطع که یکی از آرام‌ترین و کم‌تنش‌ترین دوران خدمت علیرضا آوایی است، با ضایعه تلخ و اندوهبار درگذشت تنها فرزندش به تلخی می‌گراید. ۱۲ ماه بعد و به دعوت دکتر حسن روحانی، مسئولیت ریاست دفتر بازرسی ویژه رئیس‌جمهور را عهده‌دار شده و دست تقدیر او را در حلقه اول دولتمردان رئیس‌جمهوری قرار می‌دهد. دوران یک‌ساله خدمت او در بازرسی ویژه ریاست‌جمهوری، موقعیتی برای شناخت و درک بیشتر توانمندی‌های او برای مسئولان عالی‌رتبه نظام مهیا می‌کند تا اینکه پس از پیروزی دکتر روحانی در انتخابات سال ۱۳۹۶ در پیشنهاد رئیس وقت قوه قضاییه و معرفی رسمی رئیس‌جمهور به مجلس و با رای اعتماد نمایندگان، به‌عنوان وزیر دادگستری دولت دوازدهم به‌جای مصطفی پورمحمدی می‌نشیند. آوایی ۶۳ ساله اکنون با ۴۲ سال سابقه فعالیت رسمی و ۳۹ سال مسئولیت قضائی، عالی‌ترین مدارج اجرائی و قضائی کشور را پیموده و معلوم نیست دست سرنوشت در ادامه مسیر زندگی او را به کجا رهنمون کند.

چالش تابستان ۱۳۶۷

تا وقتی نام سیدعلیرضا آوایی به‌عنوان کاندیدای پیشنهادی تصدی پست وزارت دادگستری در دولت دوازدهم بر سر زبان‌ها نیفتاده بود، او را کمتر کسی می‌شناخت و چندان شخصیتی مورد توجهی برای رسانه‌های داخلی و خارجی نبود؛

اما بعد از معرفی‌اش به مجلس، ناگهان یکی از چهره‌های ایوزیسون برانداز جمهوری اسلامی، مطلبی علیه او نوشت. این مسئله با چالش بزرگی همراه شد و بسیاری از شخصیت‌های علمی و دانشگاهی، قضات پیش‌کسوت و وکلای دادگستری شاخص در مصاحبه با نشریات و رسانه‌های داخلی و خارجی ضمن رد این اتهام به حمایت از او پرداختند.

در آن مقطع، به‌صراحت از ایشان درباره نقش و دخالت‌شان در ماجرای تابستان ۱۳۶۷ پرسیدم. با اینکه پاسخ ایشان برای حقیر قانع‌کننده بوده، به دلیلی از بیان جزئیات آن معذور است؛ اما ذکر این نکته کافی به نظر می‌رسد که سیدعلیرضا آوایی در آن زمان به موجب ابلاغ رسمی، فقط «دادستان عمومی اهواز» بوده است.

حوادث سال ۸۸ و تحریم به اتهام نقض حقوق بشر

دوران مسئولیت آوایی در دادگستری استان تهران با فرازونشیب‌های بسیاری همراه بوده و او که همواره تلاش می‌کرده از سیاست و مداخله در جریان‌ات سیاسی دوری کند، ناخواسته در محور یکی از بزرگ‌ترین تحولات سیاسی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد. موضوع اقدامات و برخوردهای تند و رادیکال دادستان وقت تهران و مسئله برخوردهای قضائی و دستگیری‌های گسترده پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸ دو آزمون بزرگ برای آوایی بود که قضاوت او در موفقیت‌داشتن یا نداشتن در این آزمون هنوز خیلی زود است و شاید سال‌ها بعد و با مشخص شدن بسیاری از حقایق می‌توان به صورت واقعی به قضاوت او نشست که چه میزان در مناجح عدالت راه پیموده یا از مسیر عدل و دادگستری به دور افتاده است.

علیرضا آوایی وقتی به استان تهران می‌آید که دو سال پیش از او «سعید مرتضوی»، جنجالی‌ترین دادستان تهران، مسئولیت دادستانی پایتخت را برعهده داشته و از همان آغاز همکاری، اختلاف نظرهای جدی میان آنها به وجود می‌آید؛ اما ملاحظات جایگاه و رعایت شان قضا مانع از آن می‌شود که اختلاف میان

آوایی با دادستان وقت تهران علنی و رسانه‌ای شود. اگرچه همه کسانی که در آن مدت از نزدیک شاهد همکاری میان آنها بوده‌اند، به اختلافات آنها پی برده‌اند. آوایی اصرار داشته که هیچ آسیبی به جایگاه دادستان و تضعیف آن با اعلام موضع و مخالفت صریح و علنی او به وجود نیاید و حتی در مجالس عمومی – با وجود اختلاف نظرهای بسیار عمیق

فکری، فلسفی و اجرایی با ایشان – آقای مرتضوی را کنار خود و مقدم بر دیگر مدیران ارشد استان می‌نشاند تا بهانه‌ای به دست بیگانگان ندهد. بارها او را به اتاقش دعوت می‌کرده و ساعت‌ها با او درباره رفتارش سخن می‌گفته و با استناد به آموزه‌های دینی و سیره بزرگان دین و اخلاق، تلاش می‌کرده که سلوک او را اصلاح کند. پس از یکی از این دیدارها، وقتی سعید مرتضوی از اتاق آوایی بیرون آمده، بسیار منقلب بوده و می‌گریسته است؛ اما اندکی بعد رو به یکی از قضات کرده و گفته آوایی هرچه به من می‌گوید، حق است و درست می‌گوید؛ اما در راهی را آمده‌ام که نمی‌توانم از آن بازگردم!

آوایی، برخلاف بسیاری که از عزل و محکومیت و محرومیت سعید مرتضوی خوشنود بودند، از او خرسند نبود و او را افتاده‌ای می‌دانست که در مسیر نادرست و بیراهه عذاب قرار گرفته و اکنون تآوان اعمالش را پس می‌دهد و رسم قنوت و جوامهردی نیست که افتاده‌ای را زیر پا لگدمال کند. منصرف از اینکه عزل‌ونصب دادستان در صلاحیت رئیس کل دادگستری استان نبوده، حسب مسموع، آوایی در تمام آن دوران ضمن اینکه حرمت مرتضوی را در جایگاه دادستان حفظ می‌کرده و تلاش کرده با محبت او را به راه انسانیت دعوت کند، وقتی از او نامید می‌شود، از

سیاست

مروری بر زندگی و نگرش سیاسی سیدعلیرضا آوایی، وزیر دادگستری دولت دوازدهم

وزیر خاموش

علیرضا غریب‌دوست



علی‌رضا غریب‌دوست، سبیل مصرانورد، فارس

هیچ تلاشی برای برکناری او و تعیین دادستانی دیگر به جای او فروگذار نکرده است.
باین‌حال ازآنجایی‌که مسئله قتل بازداشت‌شدگان در بازداشتگاه کهریزک و برگزاری محاکمات علنی و بخش گسترده اعترافات تلویزیونی متهمان، در دوره‌ای اتفاق افتاد که سیدعلیرضا آوایی رئیس کل دادگستری پایتخت بود، شورای حقوق بشر اتحادیه اروپا او را در فهرست ناقضان حقوق بشر قرار داد و مورد تحریم این اتحادیه قرار گرفت. اگرچه آنها نیز می‌دانستند که عزل‌ونصب دادستان و فرایند دستگیری‌ها و اصدار حکم معترضان به نتایج انتخابات در محدوده اختیارات آوایی نبوده است.

جانشینی علی‌اکبرخان داور؟!

پس از انتخابات ۹۶ و به‌ویژه متعاقب برگزاری مراسم تحلیف و تنفیذ ریاست‌جمهوری، گمانه‌زنی‌ها درباره وزرای دولت دوازدهم به‌ویژه در فضای مجازی شدت گرفت و در نشریات و رسانه‌های مجازی مختلف، یکی از گزینه‌های جدی وزارت دادگستری، علیرضا آوایی ذکر شد. پس‌ازآن در دیداری از ایشان جويا شدم که آیا واقعا قرار است وزیر دادگستری شوند؟ در پاسخ گفت که او هم، موضوع را در فضای مجازی و برخی گمانه‌زنی‌ها شنیده و از چنین موضوعی حقیقتا بی‌اطلاع است! اما این بی‌اطلاعی چندان به درازا نکشید و آیت‌الله آملی‌لاجرانی که به نظر نمی‌رسید چنین پیشنهادی به اوآئی بدهد ایشان را دعوت کرده و بیام می‌کند که قصد دارد او را به عنوان وزیر دادگستری پیشنهاد کند. آوایی با احترام و ضمن اینکه رد نمی‌کند، شخص دیگری را پیشنهاد می‌کند و تصریح می‌کند آن شخص به‌مراتب از او شایسته‌تر است و آملی‌لاجرانی بدون توجه به ادامه صحبت آوایی به او می‌گوید که نامه رسمی برایتان تنظیم کرده‌ام و همین امروز شما را به رئیس‌جمهور معرفی می‌کنم و بقیه مطالب را بگذارید برای بعد... همان زمان از ایشان پرسیدم که خودتان قلبا موافق هستید؟ پاسخ داد: «از مسئولیت نمی‌ترسم و زیر بار هر مسئولیتی که خدمت به ملت و نظام باشد، می‌روم اما نمی‌دانم که چقدر موفق خواهیم بود و نگران این هستم که مبادا به‌جای تأثیر مثبت، اثر منفی داشته باشم و نتوانم خدمت کنم؛ ترجیح من این است که وزیر نشوم ولی هرچه مقدم باشد تسلیم هستم...». دادگستری نوین، مرهون خدمات علی‌اکبرخان داور است. تنها وزیر دوران پهلوی که هنوز خیابانی در مجاورت کاخ دادگستری بنام اوست و پس از انقلاب نیز همواره مورد احترام قرار داشته است. آوایی شصت و هفتمین وزیری است که بعد از او بر

مسند وزارت دادگستری ایران نشسته است.
گرچه از دادگستری شاهنشاهی تا وزارت دادگستری در نظام جمهوری اسلامی تفاوت از زمین تا آسمان است، اما پس از برگزاری مراسم معارفه ایشان بجای آقای پورمحمدی، برخی به قیاس میان دو وزیر دادگستری دولت دکتر روحانی پرداختند و برخی نیز با قیاسی مع الفارق و نگاهی پرنکایت و معنادار، آوایی را با «علی اکبر خان داور» مقایسه می‌نمودند!

نفوذی وضدانقلاب؟!

روند رأی اعتماد مجلس شورای اسلامی به سید علیرضا آوایی یکی از چالش‌های زندگی حرفه‌ای و سیاسی او بود. پس از معرفی رسمی، نمایندگان فراکسیون‌های مختلف مجلس از وزرا دعوت می‌کردند تا برنامه‌هایشان را بشنوند و با طرح مسائل، انتظاراتشان را از وزیر پیشنهادی به او منعکس کنند. اما در میان اصولگرایان تندرو دو، سه نفر به‌صورت علنی و با ایراد اتهامات واهی به حمله تمام‌عیار به او پرداختند. یکی از نمایندگان مجلس در حاشیه صحن به آوایی که برعکس دیگر وزرا تلاشی برای جلب رأی اعتماد نمی‌کرد، رودر رو گفت: «... شما انسان شریفی هستید و سوابق درخشانی هم دارید اما یک مسئله بزرگ دارید که اگر از آن تبری نجوید، نه‌تنها به شما رأی نخواهم داد بلکه به همه خواهیم گفت به شما رأی

ندهند! آوایی پرسید، چه مسئله‌ای؟ نماینده مزبور با اشاره به تصویری از سنگ آرامگاه پدرشان «سید اسمعیل آوایی» گفت: پدر شما متأسفانه درویش بوده و عقاید انحرافی داشته است! باید در حضور جمع از پدران و سلوک و سیره او تبری بجوید تا من به شما رأی دهم! آوایی پاسخ می‌دهد که: ... لطفا این را بدان و به هرکس هم که خواستی بگو که اولاً من هیچ وقت درویش نبوده‌ام، در ثانی اگر فکر می‌کنید برای جلوس بر یک صندلی حاضرم از پدرم که بیش از خیلی از آقایان مدعی دیانت، به زهد و جهد و خدمات او اشراف دارم، برائت جویم، سخت در اشتباهید و هرگز چنین چیزی از من نخواهید شنید... .

متعاقب این گفت‌وگوی تند بود که در فضای مجازی نوشتند: «... با غفلت مسئولین امر، یک درویش فراماسون و ضدانقلاب در مسئولیت‌های عالی نظام رخنه کرده و اکنون قرار است وزیر دولت روحانی هم بشود...».

منصرف از اینکه درویش‌بودن هیچ‌وقت و در هیچ قانون و مصوبه‌ای جرم نبوده و نیست اما ترکیب درویشی با فراماسونری و ضدانقلاب تلفیق بسیار جالبی بود.

بالاخره آوایی بعد از تیمسار حاتمی‌وزیر دفاع، با کمترین رأی مخالف به‌عنوان وزیر دادگستری دولت دوازدهم تعیین شد و کارش را در تشکیلاتی که جایگاهش در نظام حقوقی ایران، منزلزل و بلا تکلیف است، آغاز کرد.

وزارت دادگستری

وزارت دادگستری در نظم حقوقی امروز ایران، تشکیلاتی معلق میان سه قوه و وزارتخانه‌ای به‌ظاهر بی‌تأثیر و درعین‌حال به‌شدت قائم به شخص وزیر است که در صورت عدم اِعمال تدابیر لازم، نته‌نشا نمی‌تواند به وظیفه قانونی خود در تسهیل مناسبات و روابط میان قوه قضائیه، دولت و مجلس عمل کند بلکه آتش‌بیار معرکه‌ای خواهد بود که در نتیجه تنش میان سه قوه، جز تباهی، چیز دیگری نصیب مردم نمی‌شود. اما آوایی هیچ‌وقت مردد نبود و جنجال و تنش نبود و از دگربری و چالش دوری می‌کرد. آوایی از روز نخست صدارت، موضوع اصلاح فرایندهای نادرست نهادهی شده در سازمان تعزیرات حکومتی را در دستور کار قرار داد و امیدوار است بتواند در طول مدت مسئولیت خود این مهم را به سرانجام برساند.

وزیر دادگستری دولت دوازدهم، اگرچه از اختیارات و ظرفیت‌های وزرایبی چون مرحوم دکتر حسن حبیبی، محمداسماعیل شوشتری و مصطفی پورمحمدی برخوردار نیست اما اگر نتوانسته باشد گره‌هایی از پای قوای سه‌گانه باز کند، مشکلی بر مشکلات آنها نینفروده است.

نه اصلاح‌طلب‌و نه اصولگر

آوایی دوستان و هم‌فکران بسیاری در میان جریان اصلاح‌طلب دارد، از سوی دیگر مورد وثوق بسیاری از اصولگرایان نیز بوده و دوستان او در این جریان سیاسی کم‌شمارتر از دوستانش در جریان اصلاحات نیستند. اما هر دو جناح او را جدی نمی‌گیرند و ضمن اینکه نگرانی نسبت به او ندارند، از نزدیک شدن بیشتر به او پرهیز می‌کنند. شاید دلیل اصلی این برخورد جریان‌ات سیاسی با علیرضا آوایی، نگرش او نسبت به سیاست است که تا می‌تواند تلاش می‌کند وارد این جناح‌بندی‌ها نشود. برخی اصولگرایان معتقدند که او با مساعدت‌های ویژه‌اش در دوران تصدی مسئولیت دادگستری استان تهران به بازداشت‌شدگان بعد از انتخابات ۸۸ در عمل آب بر آسیاب اصلاح‌طلبان ریخته و به پاری آنها مباردت ورزیده و از این‌سو اصلاح‌طلبان نیز هیچ‌وقت موضع‌گیری خاصی از او ندیده‌اند که بتواناند او را اصلاح‌طلب قلمداد کنند و خودی بدانند. دوستی عمیق او با بسیاری از بزرگان جریان اصولگرایی نیز بر این وضعیت سایه افکنده است. اما آنچه نگارنده در مدت همکاری و همراهی ایشان دریافته، سیدعلیرضا آوایی به حق فاقد گرایش سیاسی است؛ اگرچه اندیشه و نگرش فکری او بیشتر متمایل به اصلاح‌طلبی است.

آینده جمهوری اسلامی

با اینکه آوایی دلبسته نظام اسلامی است و خود را صاحبخانه می‌داند و نه مستاجر اما آنچه ایدئال او از «نظام جمهوری اسلامی» است، هنوز تحقق نیافته است؛ اگرچه معتقد است این مهم حتما محقق خواهد شد. او در سخنانی که در مراسم معارفه خود به‌عنوان وزیر دادگستری در تاریخ ۱۳۹۶/۵/۳۱ بیان کرد، بخشی از جمهوری اسلامی ایدئال خود را به تصویر می‌کشد:

«...مسئولیت‌گرفتن در نظام، امتحان بسیار سخت و بار سنگینی است که بر دوش ماست، در همه حکومت‌ها بار مسئولان سخت است اما این‌گونه نیست که ۳۰۰ هزار شهید طلبکار آدم باشند... ظلم عمر حکومت‌ها را کم می‌کند و این ظلم‌ها تبدیل به عقده‌ها می‌شود. هیچ کس فکر نکند برای حفظ نظام حق داریم ظلم کنیم، ما حق نداریم حتی به دشمنان و ظالمان ظلم روا داریم. دوام و بقای نظام با عدالت است و ما متکفل بقیه نیستیم...».

خبر

محمود میرلوحی:

نابید مجلس را تحویل پایداری‌ها داد

● عضو شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان با بیان اینکه دلیلی ندارد جریان اصلاحات به سمت تحریم انتخابات برود، گفت: اصلاحات بیشترین نفع را از صندوق رأی برده است. به گزارش «خبرآنلاین» محمود میرلوحی، عضو شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان، درباره دوگانه ایده مشارکت مشروط با نگاه انتلافی در انتخابات آینده مجلس، گفت: «فلسفه اصلاحات این است که به وضع موجود قانع نبوده و مطالبات مردم و نقد منتقدان را به رسمیت می‌شناسد، برهمین‌اساس و در تعریف جایگاه خود پس‌بینی حاکمیت و مطالبات مردم طراحی کرد. البته باید اضافه کرد که اصلاحات در تعریف جایگاه خود ایده‌ای را که بر ایستادگی تاکید دارد، نفی کرده و بر این باور است که درعین‌حال که حاکمیت و نهادهایی مانند شورای نگهبان بخش انکارناپذیری از جمهوری اسلامی است، مطالبات مردمی نیز حقیقت‌های موجود هستند که باید مورد توجه قرار گیرند».

وی ادامه داد: «اصلاحات اعلام کرد گرچه به‌واسطه نظارت استصوابی تابلوی ورودممنوع به برندها و چهره‌های اصلی و شناخته‌شده اصلاحات زده می‌شود اما جریان اصلاحات با صندوق‌های رأی قهر نمی‌کند، بلکه تدبیر می‌کند و با امیدبستن به فضای سیاسی کشور فعالیت سیاسی خود را ادامه می‌دهد، در نتیجه همین راهبرد است که شما مشاهده می‌کنید که مدیریت فضای سیاسی انتخابات کشور در حد قابل توجهی در سه دوره اخیر در دست اصلاح‌طلبان قرار می‌گیرد؛ این در حالی بود که امکانات جریان رقبب بسیار گسترده‌تر بوده، اما جریان اصلاحات با ابزار حمایت مردم و توجه به سیاست ترجیح منافع ملی وارد فضای سیاسی شد و درحالی‌که کلا حاذف شده بود، اما دولت با رأی اصلاحات پیروز میدان شد و همچنین شوراه‌ا و مجلس را در اختیار گرفتند؛ بنابراین دلیلی وجود ندارد که جریان اصلاحات به سمت تحریم انتخابات برود».

او با بیان اینکه برخی اصولگرایان پیروزی در انتخابات آینده را از آن جناح خود می‌دانند، گفت: «این ادعاها نوعی تبلیغات انتخاباتی است، ما واقعیت این چیزی است که ما در انتخابات آینده استفاده مجلس خواهیم دید. برداشت ما از نقدهای وارده به جریان اصلاحات، ارسال این پیغام است که اصلاح‌طلبان باید توانایی خود را در به‌چالش‌کشیدن جریان اصولگرایی ثابت کنند؛ یعنی برای مطالبات مردم هزینه بپردازند و بعد از انتخابات در مقابل مطالبات مردم سکوت نکنند». این فعال سیاسی اصلاح‌طلب با بیان اینکه مردم در انتخابات شرکت خواهند کرد، افزود: «البته با رویکردی که صداوسیما و شورای نگهبان در پیش گرفته‌اند، نمی‌توان انتظار مشارکت حداکتری داشت، امروز شاهدیم صداوسیما در مقایسه با ادوار گذشته در سکوت به سر می‌برد و آقای کن‌خدایی در شورای نگهبان به‌گونه‌ای اظهارنظر می‌کند که با دوره قبل بسیار متفاوت است. وقتی سخنگوی شورای نگهبان برای اصلاح‌طلبان فرش قرمز پهن نمی‌کند، به طریق اولی از دیگرانی که مقام معظم رهبری در سه دوره قبل خطاب به آنها فرمودند اگر نظام را هم قبضول نپذیرد برای کشور و ملت رأی دهید، هیچ دعوت و استقبالی نخواهد نهد».

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب ادامه داد: «البته دوستان در شورای نگهبان باید بدانند همان‌طورکه در دو انتخابات اخیر شاهد بودند، وقتی نامزدهای جریان اصلاحات حذف می‌شوند، این جریان هم تدبیر می‌کند و نمی‌گذارد افرادی که مطلوب جناح مقابل هستند، به صحنه بیایند، همان‌طورکه در انتخابات مجلس و در حوزه انتخابیه تهران از ۳۰ نفر حتی یک نفر از جریان اصولگرا هم نتوانست به مجلس راه پیدا کند. در ۲۱ نفر شورای شهر و همین‌طور در خزرگان رهبری هم این‌گونه بود؛ اینها نشان‌دهنده آن است که جریان اصلاحات دست روی دست نگذاشته و قرار نیست نقش تماشاجی را ایفا کند، بلکه برای موقعیت‌های مختلف راهبردهای مختلف طراحی می‌کند».

او درباره احتمال درپیش‌گرفتن رویکرد انتلافی در صورت رد کاندیداهای اصلی اصلاح‌طلبان، گفت: «در این زمینه شورای عالی اصلاحات در حال تنظیم راهبردها براساس تجربه گذشته و چشم‌انداز آینده است. واقعیت امر این است در زمینه انتلاف ما از اصولگرایی که با نردبان اصلاحات به مجلس رفتند، گله‌مند هستیم، شما می‌بینید همین افراد برخی کمیسیون‌ها را به جبهه پایداری دادند که نشانه‌های خوبی نیست؛ اگر کارنامه لیست امید ارزیابی شود هم به اصلاح‌طلبان لیست امید و هم اصولگرایانی که عموم آنها با رأی لیست امید به مجلس راه یافتند، انتقادهای جدی وارد است، زیرا حاضر شدند کمیسیون‌هایی مانند امنیت و فرهنگی را به جبهه پایداری واگذار کنند که در انتخابات در اقلیت بودند یا در انتخابات هیئت‌رئیس‌ه رأی خود را به نفع آقایان عارف و مطهری ندادند».